

جهان اسلام

اخیراً دانشمند محترم آقای عبادزاده (که همیشه در نشر نیلیات اسلامی با اداره نیلیات اسلامی تشریک مساهی کرده‌اند) در صدد تالیف کتابی بنام جهان اسلام برآمده و یک قسمت آنرا تمهین و تنظیم کرده‌اند ، در کتابنامه کور راجع باوضاع عموم مسلمین در جهان کنونی از لحاظ لغت و تمدن و کتب و تحول تاریخی و آداب و رسوم و آمار مسلمین جهان و تاریخ و جغرافیای مسالک اسلامی و طرز حکومت کشورهای اسلامی بحث میکنند ، این کتاب مجبوه مفیدی است که بس از انبام مطبع و نشر خواهد شد و برای مطالعه و استفاده در دسترس عموم گذارده میشود .

آقای عبادزاده برای دوره سال دوم دارالسلام مقالاتی از کتاب جهان اسلام انتخاب کرده‌اند که بترتیب در شماره‌های این مجله نشر خواهد شد اینک مقاله اول را ذیلا برای استحضار عموم از نظر خواننده گان محترم میکدرابیم .

دارالسلام

بفلم آقای عباد زاده مدیر مجله خرد

وطن چیست ؟

در اینکه وطن چیست ، بیان فلاسفه و روان شناسان اختلافی است که آنچه بنظر ما رسیده ذیلا مینگاریم .
 وطن محل سکونت و توطن و جایگاه تولد و نشو و نما است و جمع وطن اوطان است
 علمای اجناس وطن را به اسم تقسیم کرده‌اند
 ۱ - وطن اصلی - و آن مکان تولد و زنده گی است که در آنجا توطن چسبه و نسبت بآن علافتند است زیرا با آب و خاک و هوا و محیط آن انس گرفته و عادت کرده .
 ۲ - وطن اقامت است که آدمی بیک سرزمین مهاجرت کند و اقامت نماید این موطن است که انسان را سو و رشد داده و بطرف کمال سوق میدهد برای این وطن برش کمتر از ۱۵ سال توقف قائل نیستند گر چه در امور سیاسی هر کس پنج سال در یک کشور بماند تابع سیاست قوانین این کشور میگردد اما وطن مسکنی آنرا را گفته‌اند که در آن اقامت کند و از خود بروز شهروندی بدهد این مدت را در اختلاف عقاید از ۱۵ روز تا ۱۵ سال نوشته‌اند .

۳ - وطن بهشت است (بر انگیزش) که در آن مکان تعبیر عقیده و افکار داده میشود گفته اند لفظ وطن پس از بهشت حضرت محمد ص اطلاق باسلام شده و هر جا که این بهشت رخ دهد دارالاسلام گویند و غیر از محیط اسلام قلمرو نفوذ اسلام را دارالحرب می نامند بنا بر این نظر «جامعه وطن را جامعه اسلام و اهل وطن اسلام را مسلمان گفته اند» و در این جامعه اهل ذمه هم باز اطلاق بجایه وطن میشود - که قدر جامع و ما به الاجتماع آنها دیانت مقدس اسلام است و انت آنها لفت قرآن و حرب است استاد محمد کردعلی وزیر معارف امین سوریه می نویسد منظور از وطن محل بهشت دین است و مراد از وطن اسلامی محیطی است که لفت عرب نفوذ دارد .

اسلام است که مفهوم وطن را از نظر پرورش عقل و روح نشان داد و این است که رشد عقلی را با تعلیمات خویش تعیین کرد و اگر وطن بدین معنی باشد عامل در وطن اسلام است و پس از اسلام انت حرب است که با آن قرآن را میتوان درك کرد با این بیان لفظ وطن یکی در موارد تربیت بدن و نشو و نمای جسمی اطلاق شده و دیگر وطنی که تربیت روحی و رشد عقلی کمال و نفس را تقویت میکند این وطن را برای سوق دادن انسان بکمال مطلوب باید گفت فقط دین اسلام است که ضامن مصالح زندگی مادی و احتیاجات روحی میباشد .

این وطن پس از دوران کثیر از يك قرن وحدت ملی و وحدت لغوی و وحدت فکری ایجاد کرد بطوری که کلیه مردم در دارالاسلام بنا بر اختلاف ملل و نحل و سلم و سلامت و صلاح چندین قرن سعادت و خوشبختی گذراندند .

برای نمونه شایسته است آشور و رومانی و شمال باوروم که چهار قرن دین اسلام يك بهشتی و انگیزه در وطن آنها نبود که یگانه خط سیر آنها را عوض کرد . بطرف فضیلت و کمال سوق داد . قدرت و فضیلت - علم - و تقوی ساطع و حکومت تربیت و تهلیل در همه افراد آن کشور اثر بخشید و دارای يك نظام مرتب و سازمان صحیح و تشکیلات عظیم گردید .

مفهوم وطن خواهی در اروپا ملل اروپا هم از وطن همین معنی را بیان کرده اند که حرب گفته است جز آنکه در مداول توسعه معانی و مفهوم وطن شرح بیشتری داده اند .

وطن در نظر غربی ها آنجائی است که انسان متولد شده و در این تعبیر وحدت جنسی و خون را بر وحدت لفت و زبان ترجیح میدهند . بگفته اند سلامت خون و جنس با وحدت لفت و زبان در اخلاق عمومی يك ملتی تاثیر بسزا خواهد بخشید .

گروهی از دانشمندان معتقدند که وطن تربیت مکرر روح یعنی شعور و ذکاوت و اراده با هم در تمایلت باشند - همانطور که رجال يك دولت باید با هم تشریک مساهلی کنند تا دولت در اجرای برنامه خود پیشرفتی کند از نظر فراز درونی و معنوی هم برای تقویت روحانی باید باهم تشریک مساهلی کنند و از قوا و استعدادهای باطنی حد اکثر استفاده را برای رشد عقلی بنمایند .

شینو بوسی در کتاب « تاریخ الحضاره » خود می نویسد ساکنین اروپا در خلال قرون اولی تا قرون وسطی هنوز مفهوم و معنی شعور باطنیه و ادراك نکرده بودند و بلد و وطن را فقط بنظور احساسات مادی و احتیاجات زندگی دولت میدانستند . اهل شهر بر حسب همین عادت و علاقه شهر خود را دوست میدانستند - زارمین و دهاقین دیده ها و تصیبات خود را دوست میدانستند - ملات و قبایل پیشوایان

و زمامداران خود را دوست نیداشته بهین منوال هر کجا بوده بنیت علاقه مادی که بجای با مالی با شخصی داشت همان را دوست میداشت -

اما آنکس که ماورای این دیوار طبیعت را می بیند و در امور غیر قابل اشاره حسیه نظر می افکند و افکار و اندیشه را در تحولات روحی مؤثر میداند هدف او با هدف طبقه اولی جدا و با هم بسیار فرقی و امتیاز دارد . بین تفاوت ره از کجاست تا کجا =

نظری در جنگهای صد ساله فرانسه و انگلیس روح وطن دوستی و تجلی مظاهر وطن معنوی را روشن میکند که وحدت خونی و جنسی تا چه حد تا زبرد داشته و هم اکنون هم در این جنگهای برکت این تجانس و وحدت خونی باقی است و این خود نمونه از مفهوم روح وطنی است روی همین نظر برای اولین بار نقل جرجی دیدان «دالین شارتیه» لفظ وطن را استعمال کرد فقط برای کسانی که با انگلیس جنگ میبردند

در حالی که با ملت فرانسه گروهی دیگر هم بودند که لغت دیگر داشتند و چون رشته خونی آنها با فرانسویان مرتبط بوده همه را بنام افراد وطنی نامیدند .

در اقصاء بدینان انگلیس و فرانسه مفهوم وطن تغییر معنی داد و با مفهوم متبادر اولی تطبیق نیکرد در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در عصر لویی ۱۴ و زمان نابلسون که بیشتر از همه سنگ وطن بسینه میزدند معنی عوض شد و لغت رفت روی تجانس خونی و نژاد جنس همانطور که ایتالیا برای این معنی را استعمال میکرد .

در میان سلاطین اروپا نوری تر از نابلسون نیامد و او در احساسات وطن دوستی یعنی روح وطنی و ممنویت لنوی آن قیام کرد افکار و عقول ملتها را تحریک و تقویت می نمود . در قرن ۱۸ م در اروپا فکاهی پدید آمده که روح و طینت را مورد بحث قرار داد و در تاریخ و لغت و اصول شوب و ادوات استعمال در تشکیلات سیاسی و اجتماعی مقید شدند که نژاد و خون و تجانس را در صدور ابلاغ در نظر بگیرند . از این جا موضوع شوب و قبایل بر اساس ملی قرار گرفت و کم کم قبایل و ملل برای استعفاق مزایای تاریخی خود بگشتمه مراجعه میکردند تا تجانس خونی آنها مبین شود - در حقیقت این توجه را ملل اروپا پس از ۱۳ قرن از عرب گرفته که اصناف خود را حفظ میکرد و خون خود را از آمیزش بدون دیگران جلوگیری می نمودند -

در تعیین شوب و قبایل ادبیا شعیب یوز تجلی کرد و تمایزی بین قبایل و نژادها پدید آمد - و در جمیع شئون زندگی اجتماعی تاثیر میکرد . برادری - خون - اصول زندگی - آداب و شئون اجتماعی - بیعت وحدت و همه امتیاز شعیب روشن شد -

ساکین صفیه در قرن ۱۶ میلادی و دهم هجری این احساس را داشته و بکار برده و فرنها طول کشید تا در قرن ۱۹ م بنیت وطنی و انگیزش ممنویت مفهوم لغت وطن در اروپا روشن شد - غزل از کتاب بول هنری در کتاب مسائل الوطنیات»

دهون فیلدین در کتاب « نشر الفکره الارویه » مینویسد قرن ۱۹ در اروپا قرن وطنیات

است در این عصر مفاهیم معنوی ملت و وطن در خلال مقالات و خطب و اجاز و برامها در عناصر فلسفه و طرق سیاسی و غیره روشن گردیده -

مفهوم وطن در شرق - در شرق که باید اول از مصر سخن گفته شود پست وطنی در جنگهای ناپلئون در کنار رود ابل مفهوم خود را روشن ساخت که با يك هلاقه بملیت و بریت و ایماوت وطنی بدشمن حمله کرده که دشمن سخت تکان خورد این فجوم و جنیش بنام جنیش بنابر حوادث عربی و عادات و دیرینه بوده که يك دسته غیر عرب آیر آنها هجوم آورده بودند دفاع بزسانی کردند -

همین مفهوم و حقیقت در میان ترك و عرب در او اشر قرن گذشته که دولت عثمانی مشغول گردید روی داد و باز هم روی حفظ تجانس خونى بود. و باید گت که مفهوم وطن و علاقه بینین قربا روی تجانس خونى ابراز میشد و دفاع از وطن و دفاع از جامعه هم خون بود همین ترتیب اگر اعدا در آسیای سفیر و عراق و ایران همین کشمکش را داشتند -

وقتی که او کرانیا در اروپا قدرت پیدا کردند و عرب حمله کردند در اثر جنیش و ستغرت خونى و مدیت خود عرب در بدایت امر و مسلمین در اثر وحدت عقیدت با آنها کتک کردند . موبر مورخ انگلیسی می نویسد این فکر وطنی رشد کرد و حقوق ملی هر ملت و امتی را روشن و معنود و معروض ساخت

وحدت لغت و جنس - دو عامل بزرگ در وحدت وطنی اثر می بخشد یکی لغت و دیگری جنس و نژاد و خون - لغت در ادب و آداب و شئون زندگی و تحولات فکری عامل نوری میباشد و از لغت مشترک ادب مشترک و معارف و احساسات مشترک و اشتراک در ادب و حکایات و قصص و امثال سایرین وجود پیدا میکند بر خلاف قیابل که معارف و احساسات و آواها و افکار آنها در وطنیت آنها بر حسب ادب و شئون زندگی اجداد آنها میباشد .

ملای لغت معنقدند که د قیام يك امت و رشد يك ملت بیشتر از روابطه جنسی مؤثر است - وحدت لغت مستلزم وحدت جنسی نیست و اختلاف لغت مستلزم قیام هم نیست . مثلا لغت اسپانیا در امریکای جنوبی سالهاست رونق بسیاری دارد - با امریکائیا که بلفظ انگلیسی صحبت میکنند ولی وطنیت آنها غیر از روح وطنی انگلیسی میباشد همین منوال اهل کانادا و استرالیا و ایگوسیا لغات غیر از انگلیسی تلفظ میکنند با سوییسی یون با آنکه يك امت از جهت خون و نژاد هستند ولی به لغت فرانسه و ایتالیایی و آلمانی صحبت میکنند با یلوز که بفرانسه آلمانی و نلاندیه تکلم میکنند لغت واحد دارند بنا بر این امثال و شواهد لغت در قیام يك امت تاثیر بیشتری از خون و تجانس دارد . . .

تا تمام